

مصونیت جانی نمایندگان کشورها در فقه*

قاسم شبان نیا:

عضو هیئت علمی موسسه امام خمینی (ره)

محمد جمعه حسینی: طلبه سطح چهار حوزه علمیه

چکیده:

این مقاله کوشیده است به بررسی مصونیت جانی نمایندگان سیاسی از دیدگاه فقه پردازد و نظریات آن را درباره‌ی مصونیت جانی تبیین نماید. نگارنده پس از بیان مقدمه و مطرح کردن سؤال اصلی پژوهش به بحث پیشینه و تاریخچه مصونیت نمایندگان سیاسی، اهداف و ضرورت و مفهوم شناسی پرداخته است و به دنبال آن مصونیت جانی را به روش توصیفی و تحلیلی همراه با ذکر نمونه‌هایی از مصونیت فرستادگان سیاسی در فقه اسلامی منعکس می‌سازد. نتیجه به دست آمده حاکی از آن است که جان نمایندگان سیاسی و بستگان آنان در کشور اسلامی با رویکرد فقهی از هرگونه تعرض مصون و در امان است. ائمه نگاه فقه، ایمان محوری است و هر مقدار درجه ایمان فرستاده سیاسی بالا باشد مصونیتش نیز از اعتبار بالایی برخوردار می‌گردد، «البته موارد در فقه از اصل مصونیت دیپلماتیک در زمان مأموریت در کشور اسلامی استثنا شده است که در صورت ارتکاب جرم فرستاده سیاسی با آنان برخورد و براساس احکام کیفری اسلام مجازات می‌شوند»

واژگان کلیدی: مصونیت، نمایندگان سیاسی، جان، فقه.

مقدمه و تبیین موضوع

یکی از موضوعاتی که قانون الهی به عظمت و بزرگی یاد نموده و همه‌ی ادیان به آن پرداخته و در جامعه‌ی بشری نیز مطرح بوده؛ مصونیت جانی است که از گذشته دور دارای اهمیت و ارزش خاصی بوده است لذا خدای متعال جان آدمی را از هرگونه تعرض مصون قرار داده و برای محافظت آن از آسیب و جنایات، فقه اسلامی به صورت عام و کلی برای تک تک اعضاء و جوارح انسان، قوانین بازدارندگی و ضمان قرار داده است. حال باید دید، در موارد خاص مانند آنجایی که انسان شهرش را رها نموده و به شهر دیگری هجرت می‌کند که یکی از مصادیق آن سفرا و فرستادگان سیاسی کشورهاست که برای انجام وظایف و برقراری روابط دیپلماتیک وارد کشور اسلامی می‌شوند، ممکن است مسلمان یا غیر مسلمان باشند؛ فقه اسلامی در این مورد چه مصونیت‌هایی را برای جان نمایندگان سیاسی بیان کرده است؟ از این رو نوشتار پیش رو می‌کوشد برای پاسخگویی به این سؤال با روش تحلیلی - توصیفی دیدگاه فقه اسلامی را در این مسأله مورد بحث و بررسی قرار دهد

مصونیت جانی
نمایندگان
کشورها در فقه

پیشینه پژوهش

از آنجایی که نوشتار پیش رو در بستر روابط دیپلماتیک پیدایش دارد، تاریخ روابط میان دولت‌ها پیشینه عام آن است. اما منبع خاصی در فقه که به این مسئله ورود تخصصی به صورت مستقل داشته باشد یافت نشد. از این رو مقاله حاضر دارای نوآوری و موضوع جدید فقه است. اما از لحاظ تاریخی نسبت به مصونیت نمایندگان سیاسی دو رویکرد وجود دارد:

۱. رویکرد خاص؛ بیشتر غربیان خاستگاه و ریشه مصونیت نمایندگان سیاسی را از اندیشه فیلسوفان یونانی و توسعه آن را در قرن بیستم در غرب می‌دانند. این دیدگاه معتقدند که مصونیت دیپلماتیک مبتنی بر منشأ غربی با ریشه‌ی یونانی و رومی است که به شکل سنتی و قانون وضعی آن روز در میان شهرهای یونان مصونیت سفیران و همه نمایندگان سیاسی؛ مراعات می‌شده است. (صفدری؛ ۱۳۴۲: ج ۱، ۵۳، مسترهاکس؛ ۱۳۸۳: ۹۷۴-۹۷۶، ضیائی بیگدلی ۱۳۸۱: ۱۹-۲۰) پس از یونان امپراطوری روم از میان

میثاق‌های بین‌المللی فقط مصونیت نمایندگان سیاسی را رعایت می‌کرد (مجدوب؛ ۲۰۰۷، ۵۹۳) و آن را قانون شعوب، اطلاق کردند (مسترهاکس؛ ۱۳۸۳: ۴۳۰، شاو، ت: وقار؛ ۲۳: ۱۳۷۴-۲۴). براساس این رویکرد مصونیت نمایندگان سیاسی ریشه در یونان باستان دارد و از پدیده‌های غرب است.

۲. رویکرد عام؛ با توجه به طبیعت اجتماعی و نیازهای فطری انسان می‌توان اندیشه مصونیت دیپلماتیک را همزاد انسان دانست؛ که در میان اقوام پیشین مخصوصاً در شرق به روش سنتی مراعات می‌شده است، طبق این رویکرد جوامع بشری از غرب و شرق عالم اعم از اینکه دارای چه آیینی هستند؛ هرکدام بر اساس نیازهای‌شان در تحقق و توسعه مصونیت نمایندگان سیاسی سهمی داشته‌اند، که از آن جمله می‌توان به پادشاه نشینان بین‌النهرین (ایمار، ابوابایه؛ ۲۰۰۶: ج ۱، ۱۴۳-۱۴۷، مسترهاکس؛ ۱۳۸۳: ۷۳ - ۱۵۰، ۷۸-۱۵۵)، جزیره العرب (ابن اثیر؛ ۱۳۹۸-۱۹۷۸: ۲۵-۲۶، ابن فراء؛ ۱۳۶۳: ۱۵۱)، دولت‌های فنیقیه و مصر اشاره کرد. (آرمستوت: صارمی؛ ۱۳۹۳، ۱۳۷-۱۳۸). همین‌طور قبل از اسلام در جزیره العرب مطرح بوده و با آمدن اسلام به کمال نسبی خود رسیده است. براساس این دیدگاه مصونیت نمایندگان سیاسی همزاد انسان در روابط دیپلماتیک بوده و از پدیده‌های شرق است. (ر، ک: حسینی، ۱۳۶۷: ۱۹-۲۶).

مفهوم مصونیت

«مصون» در زبان عربی اسم مفعول از ماده ثلاثی مجرد: «الصَّوْنُ» به معنای محفوظ بودن شیء، در امان بودن شیء است. (ابن عباد؛ ۱۴۱۴: ج ۸، ۱۹۱) و یا «الصَّوَانُ؛ بِضَمِّ الصَّادِ وَ كَسْرِهَا وَ (الصِّيَانُ) بِالْيَاءِ مَعَ الْكَسْرِ لُغَةً وَ هُوَ مَا يُصَانُ فِيهِ الشَّيْءُ وَ (صُنَّتُهُ) حَفِظْتُهُ فِي (صَوَانِهِ) ... فَهُوَ (مَصُونٌ) عَلَى النَّقْصِ» (فیومی؛ ۱۴۱۴: ج ۲، ۳۵۲) آمده است، «مصونیت» در زبان فارسی مصدر جعلی است از «مصون» ساخته شده و در همان معانی به کار رفته است. (دهخدا؛ ۱۳۳۷: ج ۴۵، ۵۸۹)

و از لحاظ حقوقی: "وضع مخصوصی است که دارنده‌ی آن از تعرض مخصوصی معاف و محفوظ است." (جعفرلنگرودی؛ ۱۳۶۷: ۶۵۷)

مصونیت در اصطلاح حقوقی عبارت است از: "موقعیتی که دارنده آن را از تعقیب قانون و مأموران دولت در امان می‌دارد". (آقابخشی، افشاری راد؛ ۱۳۸۳: ۳۰۷)

تعریف فوق بیشتر ناظر به تعریف مصونیت قضائی است، که یک بخش از مصونیت دیپلماتیک است. لذا به نظر می‌رسد «مصونیت» را در اصطلاح روابط بین‌الملل باید اینگونه تعریف کرد: مصون و محفوظ بودن نمایندگان سیاسی کشورها از هرگونه تعرض و تجاوز و تعقیب کیفری اعم از قضایی و جزایی کشور میزبان.

اما با توجه به مبانی فقهی مصونیت دارای مقررات خاصی است که می‌توان این‌گونه تبیین کرد که آن از نگاه فقه "یا به ایمان است و یا به امان. ایمان مربوط به مسلمانان و امان از آن غیر مسلمانان است" (پورامینی؛ ۱۳۹۳: ۱۴۳) که گاهی در قالب عقد ذمه، گاه در قالب عقد امان، گاه در قالب قرارداد و توافق‌های بین‌المللی و یا در قالب مطلق معاهده منعقد می‌گردد و هر کدام تعریف خاصی خود را دارد. بنابراین مصونیت از تعرض در فقه نیز به صورت کامل قابل انطباق است.

مفهوم نمایندگان سیاسی

نماینده؛ واژه‌ی فارسی و در لغت به معنای نشان دهنده" و نیز به معنی نمایان است. (جعفرلنگرودی؛ ۱۳۸۸: ج ۵، ۴۱۷۴) نماینده سیاسی که مفرد نمایندگان سیاسی است، در اصطلاح حقوقی فارسی کنونی معنای متعدد و موارد استعمال فراوان دارد ولی در اصطلاح روابط بین‌الملل (Envoy) عبارتند از: دیپلماتی با درجه سفیر یا وزیر مختار (رایزن درجه یک) که توسط دولتی نزد دولت دیگر اعزام می‌شود که مأموریت ویژه‌ای انجام بدهد یا نمایندگی دائمی دیپلماتیک داشته باشد. " (آقایی؛ ۱۳۸۵: ۴۹۳) به چنین شخصی نماینده سیاسی اطلاق می‌شود. اما به صورت جمع نمایندگان سیاسی عبارتند از: "سفرای کبار، ننس پاپ ۱، وزراء مختار، انترننس ۲، وزراء مقیم، شارژ دافر (کار دار سفارت)". (جعفرلنگرودی؛ ۱۳۸۸: ج ۵، ۳۶۸۹)

واژگان دیگری که ارتباطی مستقیم با کلمه «نمایندگان» دارد، واژه «سفیر» و «رسل» است که عربی و منشأ و حیانی دارد.

راغب اصفهانی در کتاب مفردات می‌نویسد: «السَّفَرُ: كَشْفُ الْغَطَاءِ، وَ يَخْتَصُّ ذَلِكَ بِالْأَعْيَانِ.» که به اجسام و اعیان اختصاص دارد و یا «السَّفَارَةُ: الرَّسَالَةُ، فَالرَّسُولُ،

والملائكة، والكتب، مشتركة في كونها سَافِرَةً عن القوم ما استبهم عليهم» (راغب؛ ۱۴۱۲: ۴۱۲، ابن عباد؛ ۱۴۱۴: ج ۸، ۳۱۰) بنابراین «سفیر» به معنای روشنگری و رفع ابهام است. "سفیر": در اصطلاح به معنای رسول و فرستاده‌ی قومی در نزد ملت دیگر است: «السَّفِيرُ: الرَّسُولُ بَيْنَ الْقَوْمِ يَكْشِفُ وَيُزِيلُ مَا بَيْنَهُمْ مِنَ الْوَحْشَةِ، فَهُوَ فِعْلٌ فِي مَعْنَى فَاعِلٍ» (فخررازی؛ ۱۴۲۰: ج ۳۱، ۵۶، مکارم شیرازی؛ ۱۴۲۸: ج ۵، ۳۷۶. آقایی؛ ۱۳۸۵: ۶۸)

آنچه از موارد استعمال کلمه «سفیر» استفاده می‌شود این است که این واژه در اشکال مختلف یک اصل و معنای مشترک دارد، و آن حرکت به محیط خارج از محدوده اصلی است و این قید در همه‌ی موارد استعمال لحاظ شده است. (مصطفوی؛ ۱۴۳۰: ج ۵، ۱۶۶) اما در برخی از معانی مرادف و هم معنا با واژه‌ی «رسول» است، که معادل دیگر واژه‌ی «نماینده» می‌باشد.

واژه‌ی «رَسُول» از ماده‌ی رَسَل، به معنای حرکتِ توأم با آرامش، گرفته شده است. و کلمه رسول- از آن مشتق شده است و گاهی درباره رسالت و رساندن و تبلیغ زبان بکار می‌رود. (راغب؛ ۱۴۱۲: ۳۵۳-۳۵۲) و یا مطلق قاصد را گویند. (جعفرلنگرودی؛ ۱۳۸۸: ج ۳، ۲۰۴۷) اما در استعمالات قرآنی؛ رسول معانی متعدد گرفته است که در جای خود بحث شده است. "رَسُول"؛ در اصطلاح (بین‌المللی عمومی) عبارتند از: سفیر بین دو کشور. (جعفرلنگرودی؛ ۱۳۸۸: ۲۰۴۷)

مفهوم فقه

واژه‌ی "فقه" را در لغت فرمودند: به معنای فهم عمیق است «الْفَقْهُ: فَهْمُ الشَّيْءِ...» (فیومی؛ ۱۴۱۴: ۴۷۹) و در اصطلاح، عبارت است از علم به احکام شرعی فرعی از روی دلیل‌های تفصیلی آن‌ها.^۱

اهداف

امروزه مصونیت نمایندگان سیاسی در عرصه روابط بین‌الملل دارای اهمیت ویژه‌ای است تا آنجا که سازمان ملل در کنوانسیون‌های متعدد به آن پرداخته و قانونمند نموده

۱. «وفي الاصطلاح هو العلم بالأحكام الشرعية الفرعية عن أدلتها التفصيلية» (رشتی؛ ۱۳۱۳: ۶).

است، اما متأسفانه چنانچه بیان شد که در فقه اسلامی هنوز یک آثار مستقل در خصوص این مسئله وجود ندارد لذا هدف ما در این نوشتار استخراج مبانی مصونیت نمایندگان سیاسی، تبیین و تحلیل آن از منابع فقهی است. بنابراین ضرورت ایجاب می‌کند که مبانی فقهی مصونیت جانی نمایندگان سیاسی از ابواب مختلف فقه در قالب یک اثر مستقل جمع آوری گردد.

با این تفاسیر موضوع مصونیت نمایندگان سیاسی از موضوعات جدید است که مسبق به سابقه فقهی نیست لذا در آن از منابع مختلف اعم از آیات و روایات و سیره و حکم عقل بهره گیری می‌شود.

بررسی ادله فقهی مصونیت جانی نمایندگان سیاسی

محور اصلی این مقاله عبارتند از:

۱. مصونیت جانی نمایندگان سیاسی

مصونیت نمایندگان سیاسی کشورها از تعرض، در فقه به عنوان یک قاعده پذیرفته شده مطرح بوده است و کاملاً با اهداف و مصالح بشریت از جمله مصالح دولت اسلامی منطبق می‌باشد. (ر، ک: حقیقت؛ ۱۳۸۵: ۱۴۸) و لذا روایاتی از نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه مصومین (ع): در خصوص مصونیت فرستادگان سیاسی وارد شده است و نیز آیات و روایات دیگری که به صورت عموم مصونیت جان انسان‌ها را بیان می‌کند، عموم و اطلاقش سفر و اعضای دیپلماتیک را نیز شامل می‌گردد:

۱.۱ آیات

بسیاری از فقها بر مشروعیت عقد امان و مصونیت کفار مستأمن و نمایندگان سیاسی به آیه «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ (توبه/۶)» استدلال کرده اند (ر، ک: علامه حلی؛ ۱۴۱۴: ج ۹، ۸۵ شهید ثانی؛ ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۹۸، مدنی کاشانی؛ ۱۴۱۰: ۵۴، سبزواری، ۱۴۱۳: ج ۱۵، ۱۳۱) مفاد این آیه آن است که مهلت دادن به کفار حتی به صورت یک قرارداد، جزئی از مسئولیت‌های دولت اسلامی است که به این طریق می‌تواند به آن‌ها که تقاضای پناهندگی دارند فرصت بازشناسی حقانیت اسلام را اعطا کند (عمید زنجانی؛ ۱۴۲۱: ج ۳، ۲۸۴)

ابن کثیر در ذیل این آیه می‌گوید: پیامبر خدا(ص) برای مشرکان و کافرانی که برای هدایت و یا برای انجام مأموریت نزد آن حضرت می‌آمدند امان می‌بخشید چنانچه در روز حدیبیه جماعتی از فرستادگان قریش مانند: عروه بن مسعود و مکرز بن حفص و سهیل بن عمرو و... خدمت حضرت آمدند، همه در امان بودند و غرض از امان دادن برای کسی که از دارالحرب به دارالاسلام آمده برای انجام مأموریتی، از قبیل؛ نمایندگان سیاسی، تاجران یا کسانی که مأموریت صلح را به عهده دارند، یا برای طلب هُدهنه آمده‌اند و یا حامل جزیه می‌باشند و... از امام یا نایب وی طلب امان کنند و امام یا نایب او به آنان امان دهد در دارالاسلام در امان هستند تا زمانی که به مأمِن و وطن خویش برگردند. (ابن کثیر؛ ۱۴۱۹: ج ۴، ۱۰۰)

از کلام ابن کثیر استفاده می‌شود که وی مفهوم آیه را توسعه داده، و مقید به منطوق نمی‌داند. چنانچه بسیاری از مفسرین مفهوم آیه را توسعه داده‌اند(ر،ک: طبرسی؛ ۱۴۱۲: ج ۲، ۳۹. طباطبایی، ج ۹، ۱۵۵. زحیلی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۸۳۲) و فرمودند: "در غیرمورد شنیدن قرآن اجازهی ورود به بیگانگان به مصلحت مسلمانان و صلاحدید آنان بستگی دارد و بدون شک ارسال سفیران و نمایندگان برای انعقاد صلح و تحکیم روابط با کشورهای مسلمان و همسایگان ضروری و به مصلحت مسلمانان است." (فاوی؛ ۱۹۸۱: ۷۰۷). با این حساب مفهوم آیه، نمایندگان سیاسی را شامل می‌شود.

فخر رازی در ذیل این آیه می‌فرماید: هرگاه کسی از کفار و مشرکین به عنوان فرستاده سیاسی وارد دارالاسلام شود نفس رسالت و و فرستاده بودن امان است.^۱ از طرف دیگر جمله «ثُمَّ أَلْبَغُهُ مَأْمَنَهُ» از باب اولویت بر مصونیت نمایندگان سیاسی دلالت می‌کند؛ بدین معنی که اگر یک نفر از مشرکین به مسلمانان پناهنده شد، باید به او امان داده شود، تا کلام خدا را بشنود آنگاه او را به جای امنش برساند و تا به مأمِنش نرسیده؛ هیچ کس حق ندارد متعرض او شود، با این حساب سفیر و نمایندگان سیاسی که با قرارداد امان با حاکم اسلامی وارد کشور اسلامی شده پس به طریق اولی از مصونیت جانی و عرضی تا پایان مأموریت خویش برخوردار است. چنانچه بر اساس

۱. «و من دخل منهم دارالإسلام رسولاً فالرسالة أمان» (فخر رازی؛ ۱۴۲۰: ج ۱۵، ۵۳۱).

این آیه نمایندگان کفار مصونیت داشته اند پس نمایندگان مؤمن و مسلمان به طریق اولی در کشور اسلامی مصونیت دارند.

به آیات دیگری نیز بر مصونیت جانی نمایندگان سیاسی استدلال شده (ر،ک:حسینی؛ ۱۳۹۷: ۴۹-۵۱). که به خاطر اختصار از آوردن آن ها صرف نظر می‌گردد.

۱. ۲ سنّت و سیره معصومین (ع)

در واقع مصونیت سفیران از زمان قدیم به حسب طبایع امور مطرح و عمدۀ غرض آنان خدمت به مصالح دولت‌هایشان بوده است، یعنی برای بدست آوردن معلومات رئیسه و اساسی که حصول آن از کشور دیگر توسط نمایندگان سیاسی متمکن بوده فرستاده می‌شده است. اسلام نیز از این طبیعت خارج نشده است. (زحیلی؛ ۱۴۱۲: ۳۳۷) بلکه آن را مورد تأیید قرار داده و از روزهای آغازین بعثت پیامبر اکرم (ص) آنچه را که در عرف و بنای عقلا در آن زمان مورد احترام بوده امضاء کرده و در تحکیم و توسعه آن گام‌های بلندی تری برداشته است، البته با این استثناء و تا جایی که با اصول و قوانین کلی اسلام مغایرت نداشته و برخلاف مصلحت نباشد. مانند تجسس و یا گذاشتن شراب روی میز مذاکره‌ی نمایندگان سیاسی که اسلام چنین چیزی را نمی‌پذیرد و از آن نهی نموده است.^۱ لذا هر امری که صراحتاً با مبانی اسلام سازگاری نداشته باشد مورد تأیید اسلام نمی‌باشد.

موارد متعددی در روایات و سیره عملی نبی مکرم اسلام (ص) وجود دارد که به احترام و مصونیت جانی نمایندگان سیاسی صراحت دارد؛ در ذیل به چند مورد اشاره می‌شود:

۱) در کتاب وسایل الشیعه روایتی را نقل می‌کند که پیامبر بزرگوار اسلام! فرمود: «لَا يُقْتَلُ الرَّسُلُ وَ لَا الرَّهْنُ». (حر عاملی؛ ۱۴۰۹: ج ۱۵؛ ۱۱۷. حمیری؛ ۱۴۱۳: ۱۳۱. مجلسی؛ ۱۴۰۳: ج ۹۷؛ ۳۱.) «الرسال» عام است، به صورت عموم بر عصمت جانی سفیران و دیپلمات‌ها تصریح دارد، یعنی جان فرستاده سیاسی مؤمن، مسلمان، اهل

۱. «وَنَهَى النَّبِيَّ (ص) عَنِ الْجُلُوسِ عَلَى مَائِدَةٍ يُشْرَبُ عَلَيْهَا الْخَمْرُ» (صدوق؛ ۱۴۰۹: ج ۵، ۳۲۲).

کتاب و مستأمنین از کفار و مشرکین در کشور اسلامی از هرگونه تعرض و تجاوز مصون و محترم است و کسی حق کشتن او را ندارد.

مرحوم علامه (ره) در کتاب تذکرة می فرماید: "رسول کافر کشته نمی شود". (علامه حلی؛ ۱۴۱۴: ج ۹، ۶۸). بنابراین رسول و فرستاده مؤمن و مسلمان به طریق اولی کشته نخواهد شد.

۲) در سنن بیهقی نقل می کند که وقتی ابن نواحه فرستاده‌ی مسیلمه کذاب خدمت پیغمبر اکرم (ص) آمد حضرت فرمود: «لولا أنك رسول لضربت عنقک» (ابن حنبل؛ ۱۴۱۶: ج ۲، ۲۷، بیهقی، ۲۰۰۵: ج ۱۴، ۶۶).

کلمه‌ی «رسول» اطلاق دارد شامل مؤمن نیز می شود، بلکه در این روایت فرستاده مسیلمه محکوم به ارتداد از اسلام است، وقتی پیامبر اسلام (ص) به چنین سفیری که حکمش از نگاه فقهی قتل است، مصونیت قائل می شود تا مأموریتش را انجام دهد، نماینده سیاسی که مؤمن، مسلمان، و غیر مسلمان است، مرتکب جرم نشده باشد، به طریق اولی جان و عرض و مالش مصونیت دارد.

۳) در سنن ابی داود به سند خود از ابی رافع آورده است که گفت قریش مرا (به عنوان فرستاده سیاسی) نزد پیامبر خدا (ص) فرستاد، پس چون پیامبر خدا (ص) را ملاقات کردم، اسلام در دلم جای گرفت، عرض کردم: ای پیامبر خدا، من هرگز نزد آنان باز نمی گردم، حضرت فرمودند: من به عهدم خلف وعده نمی کنم و نامه رسان را زندانی نمی کنم، برگرد اگر اسلام در قلبت جاگرفت مانند الآن، آن زمان نزد ما برگرد.^۱ نکاتی از کلمه «البرد» در این روایت استفاده می شود:

۱. مصونیت فرستاده‌ی سیاسی؛ امر ارتكازی عقلایی است و مورد پذیرش همگان است. (ر، ک: منتظری؛ ۱۴۰۹: ج ۵، ۲۷۳).

۲. عام است شامل تمام نمایندگان سیاسی از هر تبار و آیینی که باشد می گردد.

۱. «انی لا اخیس بالمهد و لا احبس البرد، و لکن ارجع فان کان فی نفسک الذی فی نفسک الان فارجع.»

(ابوداود؛ ۲۰۰۰: ج ۲، ۷۵).

۳. پیامبر اسلام (ص) دستور می‌دهد که تو فرستاده‌ی سیاسی هستی، باید مأموریت خویش را به پایان برسانی.

۴. از این دستور پیامبر (ص) استفاده می‌شود که مأموریت دیپلماتیک دارای مصونیت ویژه‌ای است، هرچند فرستاده از جانب کفار و مشرکین باشد، گرچه خودش اظهار همکاری با اسلام را داشته باشد و بخواهد در سرزمین اسلام بماند؛ اسلام، تا مأموریتش را به پایان نرسانیده است جایز نمی‌داند.

اگر پیامبر اکرم (ص) درخواست ابورافع را می‌پذیرفت، ایشان نسبت به مشرکین که او را نماینده‌ی خود انتخاب کرده بود خائن محسوب می‌شد، نمی‌توانست رسالتش را به پایان برساند. از طرف اگر پیامبر اکرم (ص) تقاضای او را قبول می‌نمود با این کار مصونیت نمایندگان سیاسی نقض می‌شد، با این حساب از عمل پیامبر اکرم (ص) استفاده می‌شود که ابورافع نماینده سیاسی است و نماینده سیاسی مصونیت دارد باید مأموریتش را به پایان برساند.

لذا پیامبر اکرم (ص) به ابورافع دستور داد که باید برگردی مأموریت خویش را به پایان برسانی، بعد از آن اگر خواستی می‌توانی به ما ملحق شوی. این قانون مداری و ضمانت اجرایی اسلام است که نمایندگان سیاسی راتا پایان مأموریت از هرگونه تعرض و تجاوز محترم و مصون می‌داند.

اما آنچه از روابط دیپلماتیک بین‌المللی امروزی مشهود است عبارتند از: "شیوه‌های زیرکانه و شیطنت آمیز، کارشکنی، دسیسه، فریب، توطئه‌های گوناگون، مداخلات سرّی، سوءاستفاده از ضعف‌ها، اتکا به قدرت، تطمیع و حمایت‌های موسمی و صوری، تحمیق و ایجاد خوش‌بینی، دفاع از حقوق بشر، بهره‌گیری از نفوذ و امکانات وسیع، به ویژه امکانات به ظاهر قانونی وسیع به دست آمده از چندین قرن دیپلماسی استعماری است که همه و همه در پوشش مذاکرات و ارتباطات مسالمت آمیز اعمال می‌شود" (عمیدزنجانی؛ ۱۳۷۹: ۲۶۲). و با هزاران خدعه و نیرنگ تلاش می‌کنند چگونه یک فرستاده سیاسی را فریب داده و از اهدافش منحرف کند.

به طور کلی این سخن و عمل پیامبر بزرگوار اسلام(ص) به صراحت بر مصونیت داشتن تمام سفرا و فرستادگان سیاسی از هرگونه تعرض و تجاوز دلالت می‌کند.

شوکانی می‌گوید؛ این روایت دلیل است بر اینکه وفای به عهد همانگونه که با مسلمین واجب است با کفار نیز واجب است؛ زیرا نامه‌ای که در دست نماینده سیاسی قرار گرفته است مقتضی جواب است، و جواب دادن به آن به منزله‌ی عهداست. (ر،ک:شوکانی؛ ۲۰۰۱: ج ۸، ۳۰).

۴) بلاذری در انساب الاشراف پس از ذکر نامه‌ی معاویه به امام علی(ع) می‌نویسد: چون امیرالمؤمنین علی(ع) وی(نامه رسان) را دید، فرمود: چه چیزی در پشت سر پنهان کرده‌ای؟ گفت می‌ترسم مرا بکشی! فرمود: چگونه تورا بکشم با این‌که تو پیام رسانی.^۱ در این روایت کلمه‌ی «رسول» اطلاق دارد، همه‌ی فرستادگان سیاسی را در بر می‌گیرد؛ یعنی فرستادگان و اعضای دیپلماتیک از هرگونه تعرض و کشتن مصون است.

۵) درباره‌ی فرستادگان مسیلمه کذاب، روایتی از پیامبر(ص) به صورت‌های مختلف نقل گردیده و مورد استناد فقهای شیعه (ر،ک: علامه حلی؛ ۱۴۱۴: ج ۹، ۶۸. نجفی؛ ۱۴۰۴: ج ۲۱، ۷۷). و اهل سنت واقع شده است.

بحار اینگونه نقل کرده: حضرت به آن دو تا فرستاده فرمود: آیا شهادت می‌دهید که من رسول خدا هستم، فرمودند: بلی. حضرت مرتبه دوم فرمود: آیا شهادت می‌دهید که مسیلمه رسول خدا است، فرمودند: بلی، مسیلمه با تو در امر رسالت شریک است، سپس حضرت فرمود: اگر این نبود که فرستاده کشته نمی‌شود هرآینه گردن شما را می‌زدم.^۲

اختلاف برخی از کلمات این حدیث، طبق نقل‌های مختلف ضرر به دلالت روایت نمی‌زند. صاحب جواهر می‌فرماید: از این حدیث مصون بودن فرستاده سیاسی به مقتضای مصلحت و رعایت سیاست جامعه اسلامی استفاده می‌شود و برای انجام

۱. «فلما رأها علی(ع) قال: ویلک، ما ورائک؟ قال: اخاف ان تقتلنی، قال: و لم اقتلک و انت رسول؟» (بلاذری؛ ۱۴۱۷: ج ۲، ۲۱۱).

۲. «فقال لهما رسول الله(ص) «أ تشهدان أني رسول الله» قال نعم «قال أتشهدان أن مسیلمة رسول الله» قال نعم إنه قد أشرك معك «فقال لو لا أن الرسول لا يقتل لضرب أعناقكما» (مجلسی؛ ۱۴۰۳: ج ۲۱، ۴۱۲، ابو داود، ۲۰۰۰: ص ۴۷۰. بیهقی؛ ۲۰۰۵: ج ۱۴، ۶۵، هیثمی؛ ۱۹۹۴: ج ۵، ۵۶۷، علامه حلی؛ ۱۴۱۴: ج ۹، ۶۸).

رسالت مصون بودن نماینده سیاسی امری ضروری و بدیهی است. (نجفی؛ ۱۴۰۴: ج ۲۱، ۷۷. پورامینی؛ ۱۳۹۳: ۱۷۰).

نکاتی در این روایت قابل توجه است (ر، ک: میر محمدی؛ ۱۳۸۸: ۱۸۲-۱۸۴. پورامینی؛ ۱۳۹۳: ۱۵۳-۱۵۵):

(الف) این روایت در برخی از منابع الفاظش به صورت مفرد آمده که قبلاً بیان شد، ولی در اینجا به صورت تشبیه آمده که آنها دو نفر بودند، به هر حال در دلالت روایت ضرر نمی زند.

(ب) چرا پیامبر اکرم (ص) فرمود اگر رسل نبودید شما را می کشتم؟ شاید به این جهت بود که ظاهراً غیر مسلمان در آن زمان در حجاز وجود نداشته است و همه اسلام آورده بودند یا با مسلمانان پیمان صلح منعقد کرده بودند "از جمله‌ی آنان مسیلمه‌ی کذاب از یمامه به مدینه آمد و اسلام اختیار کرد... قاصدان مسیلمه نیز قبلاً اسلام آورده بودند." (مجلسی؛ ۱۴۰۳: ج ۲۱، ۴۱۲) و لذا پیامبر اکرم (ص) از آنان پرسید نظر شما درباره‌ی مسیلمه چیست؟ گفتند نظر ما هم نظر ایشان است، این کلام از ارتداد آن دو نفر حاکی است. اینجا بود که حضرت فرمود اگر رسل نبودید گردن شما را می زدم.

(ج) لولا؛ در این روایت دلالت بر امتناع قتل دارد؛ یعنی سفرای مسیلمه کذاب کشته نمی شود، به خاطر قاعده مصونیت نمایندگان سیاسی که یک قاعده عقلای و عرفی است و پیامبر اکرم (ص) آن را مورد تأیید شرع قرار داده است.

(د) با اینکه دعوت و نامه مسیلمه کذاب باطل بود، ولی پیامبر اکرم (ص) به او نامه نوشت و مأموریت نمایندگان سیاسی را به اتمام رساند و این نهایت اهمیت مأموریت دیپلماتیک را می رساند.

(ه) از این روایت استفاده می شود، که اگر نمایندگان سیاسی الفاظ و عباراتی را به کار برد که در کشور میزبان ناپسند، ناخوشایند و جرم بود، در خصوص فرستادگان سیاسی قابل اجرا نیست.

(و) از این روایت مصونیت قضایی نمایندگان سیاسی نیز استفاده می شود، البته در صورتی که جرم حق الله باشد مانند ارتداد فرستادگان مسیلمه‌ی کذاب.

۶) نمونه‌ی تاریخی دیگر که از سیره رسول خدا(ص) نقل می‌کند؛ فرستادگان نصاری نجران است: بعضی از اصحاب حضرت که آنان را در آن روز دیدند، گفتند بعد از آن هیئت نمایندگی مانند آن را ندیدیم، هنگام نماز شان فرارسید پس برخاسته آماده نماز شدند، رسول خدا فرمود: آنان را بحال خود واگذارید تا هرطور که خواهند نماز شان را انجام دهند، مسلمانان دیدن که اینان بسوی مشرق ایستاده و نماز خواندند.^۱

از این که پیامبر اسلام(ص) فرمود آنها را به حال خودشان رها کنید استفاده می‌شود که سفرا و نمایندگان سیاسی حتی در انجام امور دینی هر چند اهانت آمیز باشد آزاد و دارای مصونیت می‌باشند و کشور پذیرنده، حق ندارد متعرض آنها شود.

۷) پیامبر اسلام(ص) پس از اطلاع از خبر حمله رومیان، برای دفع آنها به منطقه «تبوک» آمد و با سفیر روم ملاقات کرد و به او گفت: تو سفیر ملتی هستی و برماحقی داری (که تورا اکرام کنیم) ولی هنگامی آمده‌ای که ما (به دلیل شرایط جنگی) تهیدست هستیم.^۲

در برخی از نقل‌ها آمده است که «فلو وجدت عندنا جائزة لجوزناک بها...» (کرمی؛ ۱۴۲۷: ۱۳۳) اگر در نزد ما جائزه یافت می‌شد حتما به شما اهدا می‌کردیم. با توجه به این روایت می‌توان گفت که از نگاه فقه اسلامی سفیر در همه شرایط، حقوقی بر کشور پذیرنده دارد که می‌بایست آن را رعایت کند. سفیر روم زمانی که کشورش با کشور اسلامی در حال جنگ بود، پیغمبر اکرم(ص) که حاکم اسلام می‌باشد به سمت میدان جنگ در حرکت است، ملاقات می‌کند پیامبر(ص) در چنین شرایط خطاب به او می‌فرماید شما تنها حق مصونیت نداری بلکه علاوه‌ی بر آن بر ما حق اکرام داری ولی چه کنم که ما در گشایش نیستیم.

۱. «يقول بعض من رآهم من أصحاب النبي(ص) يومئذ: ما رأينا وفدا مثلهم، وقدحانت صلاتهم، فقاموا في مسجد رسول

الله(ص) يصلون، فقال رسول الله(ص): دعوهم، فصلوا إلى المشرق» (ابن هشام؛ بی تا: ج ۱، ۵۷۶)،

۲. «انک رسول قوم و ان لک حقاً و لکن جئتنا و نحن مرملون» (ابن حنبل؛ ۱۴۱۶: ج ۴، ۷۵).

به طور کلی رفتار حکومت نبوی متناسب با شأن دولت فرستنده بوده است، بدین معنی که هر دولتی که با نمایندگان اسلام رفتار خوبی داشت پیامبر بزرگوار اسلام(ص) نیز سفرای آنان را بیشتر مورد تکریم و احترام قرار می‌داد «کل رسول علی مقدار و مقدار مرسله»^۱ تعجب نیست که پیامبر(ص) در پذیرایی از فرستادگان حبشه دقت خاصی مبذول می‌فرمود، زیرا این کشور در روزهای اوّل رسالت پیغمبر اکرم(ص) در مکه - که در معرض خطر بسیار قرار داشتند - بهترین کشور دوست مسلمان بود. به طور کلی با فرستادگان با در نظر گرفتن مرتبت شخصی آنان و مقاماتی که آنان را اعزام کرده بودند، رفتار می‌شد.^۱ (حمیدالله؛ ۱۳۸۰: ت: محقق داماد؛ ۱۷۲).

نتیجه از این روایات که در خصوص مصونیت نمایندگان سیاسی بیان شده، به صورت واضح بر عصمت جانی و صیانت سفرا در زمان مأموریت دلالت می‌کند.

۱. ۳ اجماع

هرچند اجماع در کلمات فقها به صورت صریح نیامده است ولی با توجه به دیدگاه آنان می‌توان بدست آورد که تمام فقهای اسلامی بر مصونیت نمایندگان سیاسی در کشور اسلامی اتفاق نظر دارند. برای تبیین این مطلب به کلمات چند تن از آنان در ذیل اشاره می‌شود:

از میان فقهاء شیخ طوسی(ره) در کتاب مبسوط می‌فرماید: اعطاء اذن، مساوی با اعطاء امان و مصونیت به سفیر و فرستاده سیاسی می‌باشد. اما مقام رسول و نماینده سیاسی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است که حتی بدون اذن در امان است و می‌تواند وارد کشور اسلامی شود.^۱

علامه حلی(ره) می‌فرماید: در صورت مصلحت و نیاز جایز است که به کافر حربی اذن ورود به کشوری اسلامی را داد با عوض یا بدون عوض مانند انتقال مواد غذایی و

۱. «لا يجوز للحربى أن يدخل إلى دار الإسلام إلا بإذن الإمام، و يجوز أن يدخلها بغير إذن لمصلحة من أداء رسالة أو

عقد هدنة و ما أشبه ذلك» (طوسی؛ ۱۳۸۷: ج ۲، ۴۸)

نماینده بودن، اگر حربیّ بدون اذن داخل کشور اسلامی شود و بگوید من نامه رسان هستم سخش را باید پذیرفت^۱. این کلام ایشان نیز بر مصونیت فرستادگان سیاسی تصریح دارد. در منتهی المطلب می‌فرماید: اگر کافر حربی برای قضای حاجت بیاید مانند؛ انتقال طعام، تجارت، رساندن پیام که مسلمین هم به آن نیاز دارند، نظر به مصلحت یک سال یا بیشتر جایز است^۲. از این سخن علامه علاوه بر مصونیت سفیر و نماینده سیاسی اقامت بلند مدت وی در صورت مصلحت در کشور اسلامی استفاده می‌شود. این مطلب از کتاب قواعد و مهذب نیز استفاده می‌شود. (همان؛ ۱۴۱۳: ج ۱، ۵۰۳، ابن براج؛ ۱۴۰۶: ج ۱، ۳۰۷)

مرحوم کاشف الغطاء؛ می‌فرماید: به خاطر معاهده امان ولو از طرف فردی از مسلمین باشد واجب است جنگ و کشتار را ترک نمود و همین طور کسی که به شبه امان یا به خاطر رساندن نامه به امام مسلمین و یا کسی که برای شنیدن سخن خدای متعال وارد کشور اسلامی شده است جان‌شان مصون و در امان است^۳. کلام ایشان نیز به صورت مطلق صراحت در مصونیت نمایندگان سیاسی دارد.



سال دوم - شماره سوم پاییز و زمستان ۱۳۹۷

شهیدین قدس سرهما می‌فرماید: در صورت اعطای امان از جانب حاکم اسلامی یا فردی از افراد مسلمانان برای کفار، جان و مالش مصونیت پیدا می‌کند، اگر کفار حربی با شبهه امان وارد بلاد اسلامی شود نیز در امان است و همین‌گونه است اگر به جهت امر سفارت و شنیدن کلام الهی با وجود مصلحت و عدم مفسده وارد سرزمین اسلام شود، جانش مصون و محترم می‌باشد^۴. کلام شهیدین نیز صراحت در امان و مصونیت سفیر و نمایندگان سیاسی در کشور اسلامی دارد.

۱. «و يجوز له الإذن للمصلحة بعوض و غير عوض مع الحاجة، كقتل الميرة و أداء الرسالة و لو دخل الحربی بغير أمان و قال: أتيت برسالة، قبل قوله» (علامه حلی؛ ۱۴۲۰: ج ۲، ۲۱۲)
۲. «فإن كان لقضاء حاجة، من نقل ميرة أو تجارة أو أداء رسالة يحتاج إليها المسلمون...، أنه يجوز إلى سنة بعوض و أكثر، نظرا إلى المصلحة.» (همان؛ ۱۴۱۲: ج ۱۵، ۱۲۱)
۳. «و يترك القتال وجوبا لأمر: (أحدها) الأمان... و كذا كل داخل بشبهة الأمان أو بسفارة أو لیسع كلام الله.» (كاشف الغطاء؛ ۱۴۲۳: ج ۴، ۱۶۳)
۴. «و يترك القتال وجوبا لأمر أحدها الأمان... لو دخل بشبهة الأمان... و مثله الداخل بسفارة، أو لیسع كلام الله» (شهید ثانی؛ ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۹۶-۳۹۸).

محقق ثانی(ره) در جامع المقاصد در ذیل کلام علامه می‌فرماید: کفار حربی اگر برای شنیدن کلام الهی یا برای سفارت و نمایندگی وارد کشور اسلامی شود در امان است، دلیل مطلب اول به خاطر وجوب اطاعت از آیه مبارکه قرآن کریم، دلیل مطلب دوم؛ به علت اینکه ارسال نماینده یک امر عقلایی و عام البلوی است اگر حکومت اسلامی فرستاده سیاسی آن‌ها را به قتل برساند به قتل فرستاده سیاسی خودشان منجر می‌گردد.^۱ طبق این بیان اعزام نمایندگان سیاسی امر ضروری عقلایی و همگانی است، اگر ما رسول آنان را به قتل برسانیم هرآینه این امر به قتل و کشتن رسول و فرستاده مسلمین منجر می‌شود. بنابراین نمایندگان سیاسی از هرگونه تعرض در کشور اسلامی مصونیت دارد.

آیه‌الله مکارم شیرازی^{حفظه‌الله} نسبت به مصونیت نمایندگان سیاسی می‌فرماید: "اگر منظور مصونیت جان و مال و نوامیس آنهاست، البته هنگامی که اجازه ورود به آنها داده شد از این نظر مصونیت دارند" (مکارم شیرازی؛ ۱۳۹۶: ش ۶۲۳۱۰۶)

آیه‌الله محقق کابلی^{حفظه‌الله} درباره‌ی مصونیت نمایندگان کشورهای بیگانه می‌فرماید: "بله مصونیت دارند و احکام کفار حربی بر آنها مترتب نمی‌شود و مثل کفار ذمی جان و مالشان محترم است". (محقق کابلی؛ ۱۳۹۶: ش ۶۶۸۱)

فخری رازی می‌فرماید: هرگاه کسی از کفار و مشرکین به عنوان فرستاده سیاسی وارد دارالاسلام شود نفس نماینده و فرستاده بودن امان است.^۲ به عقیده وی نفس رسالت و فرستاده بودن امان است.

سرخسی می‌فرماید: اگر کافر حربی وارد دارالاسلام شود و ادعا کند که من رسول هستم، در امان است «لأن الرسل لم تنزل آمنه فی الجاهلیة و الاسلام» (سرخسی؛ ۱۴۲۲: ج ۱۰۸۸) چون رسل و فرستاده سیاسی هم در جاهلیت و هم در اسلام دائماً در امان بوده است.

۱. «قوله: (و لو دخل لیسمع کلام الله، أو لسفارة فهو آمن)، أما الأول فلو جوب الإجابة إلیه لصریح الکلام العزیز، و أما الثانی فلأن الإرسال أمر ضروری تعم به البلوی، فلو قتلنا رسولهم لأفضی إلی قتل رسولنا» (محقق-ثانی؛ ۱۴۱۴: ج ۳، ۴۳۴)

۲. «و من دخل منهم دار الإسلام رسولاً فالرسالة أمان» (فخر رازی؛ ۱۴۲۰: ج ۱۵، ۵۳۱).

ابویوسف می‌گوید: "اگر مسلمانان در دریا سفینه‌ای را با سرنشینان آن توقیف کنند و آنها اظهار بدارند که ما فرستادگان فلان پادشاه هستیم کسی نباید متعرض آنان شود." (ابویوسف؛ بی تا: ۱۹۰)

برخی از نویسندگان می‌گویند: "در دیپلماسی جدید اصل بر این جاری است که شخص سفیر یا فرستاده... از مصونیت سیاسی برخوردار است و در تمام مدت اقامت نباید آزار و گزند متوجه ایشان شود. فقها این مصونیت را مقرر داشته‌اند و پادشاهان را مکلف به رعایت آن دانسته‌اند، و اگر سلاطین در مراعات این اصل کوتاهی می‌کردند مورد سؤال قرار می‌گرفتند." (ابن الفراء؛ ۱۳۶۳: ۱۸۶)

همین طور از کلام فقهای دیگر نیز استفاده می‌شود که برای سفیر و فرستاده سیاسی مصونیت سیاسی و احترام اختصاصی در نزد حاکم اسلامی است به قسمی که هر یک از آنان با جرأت تمام بتواند رسالتش را ابلاغ و عقائد مخالفش را به صراحت و جدیت بدون اینکه ترس و ضرری به او برسد ابراز کنند. حتی فرمودند در سفیران طلب امان خاص لازم نیست صرف عنوان سفارت و قصد فرستاده برای امان او و خانواده‌اش کافی است. (ر، ک؛ حسینی؛ ۱۳۹۷: ۴۳)

ممکن است گفته شود کلمات فقهاء ناظر به دیپلمات‌های کفار و مشرکین است، نسبت به نمایندگان مؤمن و مسلمان ساکت است؟ در پاسخ باید گفت در صورت ثبوت مصونیت نمایندگان دولت‌های بیگانه و کفار، فرستادگان مؤمن و مسلمان به طریق اولی مصونیت خواهند داشت.

به طور کلی از عبارات فقها به خوبی می‌توان اتفاق و تسالم را بر مصونیت فرستادگان سیاسی بدست آورد. چون تا کنون هیچ فقهی از شیعه و سنی نظر مخالف نداشته است یا حد اقل ما نیافتیم.

۴.۱ عقل

یکی از منابع احکام فقهی؛ حکم عقل است که شرایط و حدود ثغور آن در علم اصول مطرح شده است، و می‌تواند در قضایای مورد نظر حکم صادر کند هر چند نسبت به قضیه مصونیت نمایندگان سیاسی چون از موضوعات جدید فقهی است در منابع

فقهی به آن تمسک نشده است ولی با توجه به اهداف نمایندگان سیاسی عقل بر مصونیت جانی آنان دلالت دارد؛ به این معنی که هدف از فرستادن سفیر؛ برقراری نظم، امنیت و کسب منافع و رفع تنش و نگرانی‌های به وجود آمده میان دولت‌ها است و نداشتن مصونیت سفیر و اعضای دیپلماتیک سبب نا امنی، تضییع منافع، هرج و مرج، بی‌اعتمادی و نابودی دولت‌ها و ملت‌ها می‌شود، پس به حکم عقل باید نمایندگان سیاسی دارای مصونیت باشند.

۵.۱. التزام به عهد و پیمان

دلیل پنجم که می‌توان از آن بر مصونیت نمایندگان سیاسی استدلال کرد؛ التزام به عهد و پیمان است، هرچند وفای به پیمان جزء مبانی فقهی نیست، ولی از عناوینی است که در فقه دارای مبانی عقلی و نقلی است و بسیاری از قراردادها در میان ملت‌ها و دولت‌ها در قالب آن منعقد می‌گردد.

از جمله آیه‌ای که به لزوم وفای به عهد دلالت دارد آیه شریفه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ (مائده/۱)» است. بسیاری از فقهاء، مفهوم عقد در آیه را عام دانسته‌اند و بر مبنای آیه‌ی کریمه؛ اصل را در هر عقد عرفی و هر ایجاب و قبولی بر لزوم قرار می‌دهند. (مجاهد؛ بی‌تا: ۵۴۶. نراقی؛ ۱۴۱۷: ۱۲. ابن ادریس؛ ۱۴۱۰: ج ۳، ۱۴۹. بجنوردی؛ ۱۴۱۹: ج ۵، ۲۰۸). یعنی اگر "حکومت اسلامی یا مردم با دولت یا فردی از کفار [با رعایت همه‌ی جوانب] معاهده‌ای را امضا کردند و این قرارداد به امضاء طرفین رسید و به صورت قطعی درآمد. در این صورت مگر در صورت تخلف و نقض طرف مقابل، نقض آن به هیچ‌وجه جایز نیست" (منتظری؛ ۱۴۰۹: ج ۵، ۲۵۸) دولت اسلامی و همه‌ی افراد مسلمان تا پایان مدت قرارداد به استمرار و حفظ آن ملزم هستند و بر ضرورت حفظ آن عقل و شرع دلالت دارد (همان). آیات دیگری نیز به این مطلب اشاره دارد که به جهت طولانی شدن از پرداختن به آنها صرف نظر می‌شود. (مائده/۱۳ و ۱۴، اسراء/۳۴، نحل/۹۱، نساء/۹۰، توبه/۴ و ۷).

روایاتی متعدد، در باره التزام به عهد در منابع فقهی بیان شده است که از ذکر همه‌ی آنها صرف نظر کرده و فقط به یک روایت اکتفا می‌نماییم، از امام باقر و امام

صادق(علیه‌السلام) روایت شده که فرمودند: سه چیز است که خدا متعال برای هیچ فردی در آن رخصت نداده است یکی از آنها وفای بعهد است چه طرف عهد، آدم نیکوکار باشد یا آدم فاسق و گناهکار، وفایی به آن واجب است.^۱ از این روایت استفاده می‌شود که وفای به عهد برای همه‌ی افراد واجب است و نقض آن جایز نیست. عموم این روایت معاهده‌ی مصونیت دیپلماتیک را که کشور اسلامی با دیگر کشورها منعقد نموده است؛ شامل می‌شود.

۶.۱ بنای عقلا و عرف بین‌الملل

یکی دیگر از دلایلی که می‌توان بر مصونیت نمایندگان سیاسی به آن استدلال کرد؛ بنای عقلا است که همه‌ی فقها بر آن اتفاق نظر دارند و عرف بین‌الملل که از طرف حقوق دانان به عنوان منبع حقوق بین‌الملل مطرح گردیده چیزی جز سیره عقلا نیست. سیره عقلا دائماً در روابط میان دولت‌ها بر مصون بودن فرستاده سیاسی بوده است، تا آنجا که بسیاری از نویسندگان معتقدند؛ مصونیت نمایندگان سیاسی امر عقلایی و عرفی است که شرع آن را امضاء کرده است؛ پیامبر اکرم(ع) به ابورافع فرمود: «و لا احبس البرد» برد، جمع برید و به معنای رسول و فرستاده است، این کلام نورانی، بیانگر یک امر ارتكازی عقلی است که مورد پذیرش طبیعت همه‌ی انسان‌ها است. سیره عقلا با شرایطی می‌تواند به عنوان دلیل و منبع حکم قرارگیرد. فقهاء فرمودند بنای عقلا با دوش شرط می‌تواند از منابع احکام در شریعت اسلامی باشد:

۱. نصّ قطعی از کتاب و سنت مخالف با سیره عقلاء نباشد. در اینجا هیچ نصّ قطعی برخلاف آن وجود ندارد، بلکه نصّ موافق آن است.

۲. سیره عقلاء در صورتی حجت است و مورد استناد واقع می‌شود که متصل به زمان معصوم(ع) باشد. (سبحانی؛ ۱۴۳۸: ۱۶۷، کاشف الغطاء؛ ۱۴۱۹: ۲۱، مظفر؛ بی‌تا: ج ۲، ۱۷۱)

آنچه که معروف و مشهور است اینکه از زمان طولانی قبل از ظهور اسلام و در زمان پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین: تا عصر امروزی عرف و سیره عقلا بر مصونیت

۱. «ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً... وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ» (کلینی؛ ۱۴۰۷: ج ۲، ۱۶۲).

فرستادگان سیاسی تعلق گرفته است به عنوان مثال وقتی که فرستاده‌ی امیرالمؤمنین (ع) صَعَصَعَةَ بن صُوحان، بر معاویه وارد شد و نامه حضرت را به وی داد اینگونه گفته شده: اگر رسول و فرستاده‌ای را در زمانی جاهلی و اسلام می‌کشتمند هرآینه به تأکید شما را می‌کشتم.^۱ این سخن معاویه نیز بیانگر سیره عقلا بر مصونیت نمایندگان سیاسی در دوران جاهلیت و در زمان اسلام است.

۲. مصونیت بستگان نمایندگان سیاسی

ایمان به اسلام، حکومت و جامعه‌ی اسلامی را موظف می‌سازد که مصونیت سفرای مؤمنین و مسلمین را مورد توجه و حمایت جدی قرار دهد و از جان، مال، ناموس، همراهان و از حیثیت اجتماعی آنان در مقابل هر نوع تعدی و تجاوز دفاع نمایند، زیرا کسانی که تحت تکفل عضو نمایندگی است، جزء حیثیت ساکنان دارالاسلام و مصون از هرگونه تعرض است. (ر، ک: حمیدالله؛ ۱۳۸۰: ۱۷۲). خانواده و همراهان نمایندگان سیاسی در کشور اسلامی مصون و محترم هستند زیرا از نگاه فقهی جان همه‌ی افرادی که معتقد به آیین اسلام می‌باشند و یا با معاهده ملتزم به قانون کشور اسلامی گردیده‌اند. ادله‌ی ای که قبلاً در مصونیت شخص سفیر بیان شد عموم و اطلاقش همراهان و خانواده‌ی عضو نمایندگی را شامل می‌گردد، علاوه بر آن در باره خانواده و بستگان مستأمن و اهل ذمه دو دیدگاه در فقه مطرح گردیده است:

دیدگاه اول: معتقد است که لفظ «امان» شامل بستگان و همراهان مستأمن نیز می‌شود: زمان که کفار با امان نامه، یا عقد ذمه وارد دارالاسلام شود، هرچیزی که همراهش می‌باشد از مال و اولاد در امان است، همانا شرط امان در مال و خانواده صرفاً برای تأکید است.^۲ مستند دیگر این دیدگاه قاعده تبعیت (عوده؛ ۱۴۲۶: ج ۱، ۲۶۷-۲۶۸) و تحت تکفل بودن است. طبق آن زوجه تابع زوج است، فرزندان صغیر تابع ابوبین است، به تعبیر دیگر هر شخصی که غالباً می‌تواند شخصاً برای جانش طلب امان کند، تابع شخص دیگری در امان

۱. «أما إنه لو كانت الرُّسُلُ تُقتلُ في جاهليَّةٍ أو إسلامٍ لقتلُك» (میانجی؛ ۱۴۲۶: ج ۱؛ ۱۴۹).

۲. «إذا دخل دار الإسلام بأمان أو ذمة، كان ما معه من المال والأولاد في امان، فإن شرط الأمان في المال والأهل، فهو

تأکید». (نوری؛ ۱۴۲۷: ج ۴، ۴۰۴).

قرار نمی‌گیرد، و هر فردی که غالباً به صورت مستقل نمی‌تواند برای خودش طلب امان کند در امان، تابع غیرش قرار می‌گیرد. (زحیلی؛ ۱۴۱۲: ۲۴۷-۲۴۸)

دیدگاه دوم: مصونیت بستگان مستأمن، بستگی به نوع طلب امان مستأمن دارد. علامه حلی می‌فرماید: چگونگی مصونیت مستأمن و بستگان وی را نوع طلب امان کفار حربی تعیین می‌کند، (بدین معنا که اگر وی به صورت مطلق طلب امان کند، خانواده و همراهانش تابع امان اوست)، ولی اگر فقط برای خودش طلب استئمان کند، فقط خودش در امان است، اگر طلب امان برای خانواده‌اش کند فقط خانواده‌ی او در امان است و خودش فیء و غنیمت است، اگر طلب امان برای ذُرّیه و نسلش کند، فرزندان و فرزندانشان هرچه پایین رود حتی فرزندان دختر هم موجه است که داخل در امان هستند. (علامه؛ ۱۴۲۰: ج ۱، ۱۳۷) حال فرقی نمی‌کند، که مستأمن شخص عادی باشد یا عنوان خاصی مانند، گردشگران، تاجران، و عابرین از کشور اسلامی به مکان دیگری باشد و یا فرستاده سیاسی در کشور اسلامی باشد، حکم مصونیت بر او و خانواده‌اش بر طبق استئمانش جاری است.

۳. استثنائات مصونیت نمایندگان سیاسی از نگاه فقه

یکی از بحث‌های مهم، محدوده‌ی مصونیت نمایندگان سیاسی است بدین معنی که اگر سفیر در کشور اسلامی مرتکب جرم شود در چنین شرایط می‌تواند به اصل مصونیت دیپلماتیک استناد کند و یا اینکه احکام کیفری اسلام بر او جاری می‌گردد؟ پاسخ این است - که آنچه که از منابع فقه استفاده می‌شود این است که احکام کیفری اسلامی در همه‌ی سرزمین اسلام و بر همه‌ی ساکنین آن جاری می‌شود و از این نظر تفاوت وجود ندارد.

یکی از مبانی فقهی که در این موضوع می‌توان به آن استناد کرد؛ روایت نبوی است که فقها آن را معتبر دانسته و از قدیم الایام مورد استناد بوده «منجبر بعمل الاصحاب» است: «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَ لَا يُغْلَى عَلَيْهِ». (حرعاملی: ۱۴۰۹: ج ۲۶، ۱۴) به این جمله پیامبر اکرم (ص) از زوایای مختلف نظر شده است فقها آن را «انشاء» تلقی کرده‌اند و از آن حکم تکلیفی و وضعی استفاده می‌کنند، متکلمین گفتند معنای جمله این است که حجت اسلام بر همه‌ی حجه‌ها غالب است.

نکته‌ای که قابل توجه است اینکه از جمله ایجابی حدیث می‌توان «قاعدہ استعلا» را استفاده کرد. بدین معنی که دین اسلام جهانی و کاملترین دین الهی در زمین می‌باشد و احکامش برای تمام جوامع بشر نافذ است، به عبارت دیگر مفهوم این قاعدہ این است که مجموعه قوانین و احکام اسلام، اعم از حقوق مدنی و حقوق جزایی و غیر آن، در تمام اموری که بین آنها واقع می‌شود از عقود، ایقاعات، ولایات، پیمان‌ها، ازدواجها و ... موجب علو مسلم بر غیر مسلم است، در تمام این مسائل اعم از روابط فردی و اجتماعی، اجانب نمی‌تواند بر مسلمان علو داشته باشد. (ر،ک: مطهری، بی‌تا: ج ۲۱، ۴۵۷-۴۵۸، عمید زنجانی؛ ۱۴۲۱: ج ۳، ۲۷۱، بجنوردی؛ ۱۴۱۹: ج ۱، ۳۵۳-۳۵۶).

براین اساس احکام اسلام بر سایر قوانین استعلا دارد و در تمام زمینه‌ها اجرا می‌شود، بنابراین فرستادگان سیاسی نیز از احکام کیفری اسلام مستثنی نبوده و در صورت ارتکاب جرم و نقض پیمان مورد تعقیب و مجازات قرار می‌گیرند.

شیخ طوسی (ره) می‌فرماید: قانون کیفری اسلام بر تمام ساکنین دارالاسلام اجرایی است، و لذا ایشان تمام جرایم ارتکابی اهل ذمه و مستأمنین در دارالاسلام، اعم از حق الله و حق الناس، را مشمول صلاحیت محاکم اسلامی می‌داند. طوسی؛ ۱۳۸۷: ج ۲، ۵۹، ج ۸، ۳۷، زحیلی؛ ۱۴۱۲: ۳۳۹)

بسیاری از فقهاء معتقدند که سفیران و نمایندگان سیاسی نسبت به جرایم ارتکابی مصونیت کیفری ندارند. لذا براساس آن جرمی که مرتکب شده اند در هر نقطه از کشور اسلامی که باشند، چه اقامتشان دائمی، یا موقت باشد، مجازات می‌شوند. (عوده؛ ۲۰۰۵: ج ۱، ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۴، فقره ۲۱۵ و ۲۱۶).

بحث استثنائات مصونیت نمایندگان سیاسی تحت عنوان محدوده و قلمرو مصونیت نمایندگان سیاسی در کشور اسلامی از منظر فقه اگر عمر باقی بود به صورت مفصل و تحقیقی در مقاله جداگانه تبیین خواهد شد.

البته بعضی از فقهاء معتقدند که اگر بر عهده‌ی مستأمن حقوق افراد باشد، مانند قتل و قذف، حد جاری می‌شود، ولی نسبت به جرائم که امتساس به حقوق اجتماعی دارد، مانند

شرب خمر، و زنا که جنبه حق الله آنها بیشتر است معاقب نمی‌شود. (النووی؛ بی تا: ج ۱۹، ۴۴۹، غمراوی؛ بی تا: ۵۳۰، عوده؛ ۱۴۲۶: ج ۱، ۲۴۳-۲۴۴ و ۲۸۰-۲۸۱).

به هر طریق نمایندگان سیاسی در تمام کشور اسلامی تا زمانی که بر خلاف تعهداتش عمل نکرده؛ مصونیت جانی دارند اما در صورت ارتکاب جرم مصونیت آنها شکسته می‌شود و لذا می‌توان مواردی را از منظر فقه از تحت قاعده مصونیت استثنا کرده که به چند نمونه از آنها در ذیل اشاره می‌گردد:

۱.۳ نقض عهد

یکی از مواردی که فرستاده سیاسی نمی‌تواند به اصل مصونیت دیپلماتیک استناد کند آنجایی است که نقض عهد کند و به پیمانش پایبند نباشد، لذا چنین شخصی از منظر فقه مصونیت ندارد، همه‌ی فقها بالاتفاق فرمودند در صورتی که معاهد پیمانش را نقض کند؛ مصونیت ندارد. (شهید ثانی؛ ۱۴۱۳: ج ۱۵، ۳۸، نجفی؛ ۱۴۰۴: ج ۴۱، ص ۶۳۲. و...)

۲.۳ قتل عدوانی

یکی از اموری که سبب نقض مصونیت می‌شود اینکه سفیر و نماینده سیاسی مسلمانی را عدواناً به قتل برساند در این صورت عهدش را نقض کرده است و نمی‌تواند به اصل مصونیت دیپلماتیک استناد کند. چون قاتل باید قصاص گردد «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ (بقره/۱۷۸)» «الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ» عام است دیپلمات‌ها و فرستادگان سیاسی را هم شامل می‌شود. حاکم اسلامی قصاص را بر او جاری می‌کند. در این مسئله هیچ‌گونه اختلافی میان فقها وجود ندارد همانگونه که شیخ طوسی در کتاب خلاف فرموده است. (طوسی؛ ۱۴۰۷: ج ۵، ۵۵۳)

۳.۳ خیانت

یکی دیگر از جاهایی که فرستادگان سیاسی نمی‌توانند به قاعده‌ی مصونیت دیپلماتیک استناد کند جایی است که به کشور اسلامی خیانت کنند و یا قصد خیانت داشته باشند.

شیخ طوسی می‌فرماید: اگر امام ترسید از این که مستأمن خیانت کند؛ امان او را می‌شکند و به جایگاه سابقش بازمی‌گرداند. (طوسی؛ ۱۳۸۷: ج ۲، ۴۲ و ۳۴، علامه حلی؛ ۱۴۲۰: ج ۲، ۲۲۵، راوندی؛ ۱۴۰۵: ج ۱، ۳۵۵-۳۵۶).

۴.۳ جاسوسی

یکی از مسائلی که از اصل مصونیت دیپلماتیک استثنا شده است، اینکه فرستاده سیاسی بر ضرر مسلمین و ضد امنیت و در جهت تضعیف حکومت اسلامی حرکتی انجام دهد، مثلاً، با شورشیان و طاغیان در کشور اسلامی، در جهت براندازی دولت اسلامی، همکاری نماید. یا برای حکومت‌های متخاصم و استعمار، جاسوسی نماید، اسرار و اطلاعات نظام اسلامی و مسلمانان را در اختیار کفار و مشرکین قرار دهد. آنچه که از برخی از روایات و سیره ائمه‌ی معصومین(ع) استفاده می‌شود حکم جاسوسی کردن؛ اعدام است. (نوری؛ ۱۴۰۸: ج ۱۱، ۹۸).

موارد متعددی در سیره پیامبر اکرم(ص) وجود دارد که جاسوس را آن حضرت اعدام می‌کرده است مگر مواردی که جاسوس دارای اوصاف و عمل والایی در اسلام بوده (مانند حاطب بن ابی بلتعنه که در جنگ بدر شرکت داشته)، حضرت به خاطر آن عمل، او را عفو کرده است. ذهبی؛ ۱۴۱۳: ج ۲ ص ۵۲۶). در سیره امام حسن مجتبی(ع) آمده است که به دستور آن حضرت دو نفر از جاسوسان معاویه را در بصره اعدام کردند. (اربلی؛ ۱۳۸۱: ج ۱؛ ۵۳۸).

۵.۳ کفر ورزیدن

یکی از مواردی که نماینده سیاسی نمی‌تواند به اصل مصونیت استناد کند؛ اینکه کفر ورزد «لا یحلّ دم امریء مسلم إلاّ بإحدى ثلاث: کفر بعد ایمان...» (ابوداود؛ ۱۴۲۱: ج ۴؛ ۱۸۶۶). و از اسلامش برگردد، در این صورت حاکم اسلامی باید او را به قتل برساند.

سخن آخر

نکته‌ای که باید بدان توجه کرد این است که در مورد سفیران از کلام پیامبر اسلام(ص) نسبت به فرستادگان مسیلمه کذاب، چنانچه بیان شد تفصیل استفاده می‌شود. آن‌ها مرتکب جرمی مانند ارتداد شده بودند پیامبر اکرم(ص) حد را به خاطر رسول بودنشان جاری نکرد. طبق نقل دیگر ابن نواحه که فرستاده مسیلمه بود، بعداً توسط عبدالله بن مسعود به قتل رسید(أبی داود؛ ۱۴۲۱: ج ۳؛ ۱۲۰۲) و آن زمان بود که وی سیمت و مقام سفیر را نداشت. بر اساس این روایت می‌توان گفت که اگر دیپلمات و نماینده سیاسی جرمی را مرتکب شد که حق‌الله است، تا زمانی که انجام مأموریت دیپلماتیک را به عهده دارد مصون از تعقیب کیفری

و اجرایی است. اما نسبت به حقوق الناس این روایت ساکت است و لذا طبق ادله و عموماً باب حدود اصل بر اجرای حدود است و همین‌طور است جرایمی که در کتاب و سنت منصوص و عنوان مجرمانه دارد، اما از عقبات تعزیری که نصی از کتاب و سنت نیامده، حق ولی امر است؛ می‌تواند بر اساس عرف جاری در دولت‌های امروزی مورد عفو قرار دهد، و یا این‌که مجازات کند، و یا بر اساس این آیه «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (إسراء/۳۴)» تابع پیمان و قرارداد، قراردادهد. (ر،ک: ابوزهره؛ ۱۹۹۸: ۲۹۶، زحیلی؛ ۱۴۱۲: ۳۳۹، پورامینی؛ ۱۳۹۳: ۱۶۳) به معنای دیگر اگر در روابط دیپلماتیک حاکم اسلامی تعهد کرد که فرستادگان در قبال جرایم تعزیری مورد عفو قرار گیرند، یا به کشورشان بازگردانده شوند، باید به عهدش وفا کند.

نتیجه‌گیری

بررسی فقهی نشان می‌دهد نمایندگان سیاسی کشورها در کشور اسلامی دارای مصونیت جانی هستند. از منابع متعدد فقهی با روش تحلیلی می‌توان بر مصونیت نمایندگان سیاسی استدلال کرد. از آنجمله آیات قرآن کریم است که در اینجا فقط به آیه ۶ سوره توبه استدلال شده است. طبق سنت و سیره پیامبر اکرم (ص)، سفرا و فرستادگان سیاسی از هرگونه تعرض مصون و در امان بوده و کسی حق کشتن آنان را ندارد و همین‌طور اجماع و تسالم فقها، عقل و بنای عقلا نیز بر مصونیت نمایندگان سیاسی در کشور اسلامی دلالت دارند. یکی از ادله‌های مستدل بر مصونیت جانی نمایندگان سیاسی؛ التزام به عهد و پیمان است، بدین معنی که اگر حاکم و دولت اسلامی با دولت‌های مسلمان و اجانب معاهده مصونیت دیپلماتیک امضاء کردند، براساس این قرارداد نمایندگان سیاسی تا پایان آن در صورتی که نقض عهد نکرده باشند؛ از هرگونه تعرض مصون است و به تبع مصونیت فرستادگان سیاسی؛ خانواده و بستگان آنان که همراه شان در کشور اسلامی حضور دارند نیز از مصونیت برخوردارند.

نکته ای که قابل توجه است اینکه فقه اسلامی جان نمایندگان سیاسی را تا زمانی مصون از تعرض می‌داند که مرتکب جرم نشده باشند اما در صورت ارتکاب جرم مصونیت ندارند و براساس احکام کیفری اسلام مجازات می‌گردند.

یادداشت: ۱. برای حجیت عرف و بنای عقلا بعضی از نویسندگان سه تا شرط و بعضی دیگر شش شرط بیان کرده است، که در واقع به همین دو شرط برمی گردد. (کاشف الغطاء؛ ۱۴۱۹: ۲۱ مظفر؛ بی تا: ج ۱۷۱، ۲، جمعی از مؤلفان، بی تا: ج ۱۶۰، ۲۶-۱۶۲).

منابع

قرآن کریم.

- ابن اثیر جزری، علی بن عبد الواحد الشیبانی، ۱۳۹۸هـ-۱۹۷۸م، الكامل فی تاریخ، الناشر: دارالفکر- بیروت - لبنان، چاپ، اول.
- ابن ادریس، محمد بن احمد، ۴۱۰ق، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات)، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ: دوم.
- ابن براج، قاضی طرابلسی، عبد العزیز، ۱۴۰۶ هـ ق، المذهب (لابن البراج)، ۲جلد، دفتر انتشارات، قم - ایران، چاپ: اول.
- ابن حنبل، احمد، ۱۴۱۶ هـ ق، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ۵۰جلد، الناشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - لبنان، چاپ: اول.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظیم؛ محقق: محمدحسین شمس الدین، دارالکتب العلمیة - بیروت - لبنان، چاپ: اول.
- ابن هشام عبدالملک، ۱۳۹۱هـ زندگانی حضرت محمد، ت: سیدهاشم رسولی محلاتی، نشر: چاپ قلم گستر، چاپ: یازدهم.
- _____ ۱۴۲۵هـ-۲۰۰۵م، تهذیب السیرة النبویة، الناشر: الیمامة للطباعة و النشر و التوزیع، دمشق، بیروت، الطبعة الاولى.
- ابن الفراء، ۱۳۶۳، رسل الملوک، مصحح: صلاح الدین، ترجمه: پرویز آتابکی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی - تهران، چاپ اول.
- ابوزهره، محمد، ۱۹۹۸م، الجریمة والعقوبة فی الفقه الإسلامی، ناشر: دار الفکر العربی، الطبعة الاولى.
- ابو یوسف، یعقوب بن ابراهیم، کتاب الخراج، النشر: دارالمعرفة للطباعة والنشر - بیروت - لبنان، بی تا.
- ابی داود، سلیمان بن الأشعث السجستانی، ۱۴۲۱هـ-۲۰۰۰م، سنن ابی داود؛ دار إحياء التراث العربی - بیروت - لبنان، الطبعة الاولى.
- اربلی، علی بن عیسی، ۱۳۸۱ق، کشف الغمة (ط - القديمة)، رسولی محلاتی، سید هاشم، ناشر: بنی هاشمی - تبریز - ایران، چاپ: اول.
- اندویه ایما، جانین اوبویه، ۲۰۰۶م، تاریخ الحضرات العام (الشرق و اليونان القديمة)، ترجمه: فریدم. داغر، فؤادج. أبوریحان، اشراف: موريس كروزيه، الناشر: عويدات للنشر و الطباعة - بیروت - عويدات للنشر و الطباعة؛ الطبعة الاولى.
- آقایخشی، علی اکبر، مینوافشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی/ویرایش ششم، نشر چاپار - تهران - ایران، ۱۳۸۳هـ - آقای، بهم، فرهنگ حقوقی بهم، کتابخانه گنج دانش - تهران - ایران، چاپ: سوم، ۱۳۸۵هـ.
- بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ موسوی، ۱۴۱۹هـ ق، القواعد الفقهیة (للبجنوردی)، ۷جلد، نشر الهادی - قم - ایران، چاپ: اول.
- بلاذری، احمد بن یحیی، ۴۱۷ق، أنساب الأشراف، دار الفکر - بیروت - لبنان، چاپ: اول.
- بیهقی، علی بن زید، ابن فندق، ۱۴۲۵-۱۴۲۶هـ-۲۰۰۵م، السنن الکبری، دارالفکر - بیروت - لبنان.
- پورامینی، محمدحسین ۱۳۹۳ق، اسلام و حقوق دیپلماتیک (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی - مشهد، چاپ اول.
- جعفر لنگرودی، محمدجعفر، ترمولوژی حقوق؛ ناشر: کتابخانه گنج دانش - تهران، ایران، چاپ: یازدهم، ۱۳۶۷هـ ق.

_____ مسبوس در ترمولوژی حقوق، ناشر: گنج دانش - تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸هـ.ش.

جمعی از مؤلفان، هرق، مجله فقه اهل بیت(ع) (فارسی)، ۵۶جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، قم - اول.

حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعة، ناشر: مؤسسه آل‌البیت(ع) - قم - ایران، چاپ: اول.

حسینی، محمدجمع، ۱۳۹۷هـ.ش، مصونیت نمایندگان سیاسی کشورها در فقه و حقوق بین‌الملل (پایان نامه ارشد)، المصطفی

حقیقت، صادق، مبانی و اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ - ایران، چاپ: اول ۱۳۸۵.

حمیدالله، محمد، ۱۴۰۵هـ.ق، سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه: مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی - تهران چ دوم.

حمیری، عبد الله بن جعفر، ۱۴۱۳ هـ.ق، قرب الإسناد (ط - الحدیث)، ناشر: مؤسسه آل‌البیت(ع) - قم - ایران، چاپ: اول.

دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۳۷ش، لغت نامه دهخدا، زیر نظر: دکتر محمد معین گروه از نویسندگان، دانشگاه تهران - ایران، چاپ سیروس.

اصفهان، رابع، مفردات ألفاظ القرآن، محقق: داوودی، صفوان عدنان، دار القلم / دار الشامیة - بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۲ق.

راوندی، قطب‌الدین، ۱۴۰۵هـ.ق، فقه القرآن، ۲جلد، ناشر: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره) - قم - ایران، چاپ: دوم.

میرزای رشتی، حبیب الله، بدائع الأفكار، ۱جلد، ناشر: مؤسسه آل‌البیت(ع) - قم - ایران، ۱۳۱۳هـ.ق.

زحیلی، وهبه بن مصطفی، ۱۴۲۲هـ.ق، التفسیر الوسیط، ۳جلد، الناشر: دار الفکر - دمشق - سوریه، چاپ: اول.

_____ ۱۴۱۲هـ/۱۹۹۲م، آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، الناشر: دار الفکر - دمشق، طبعه الرابعه.

سبحانی، جعفر، ۱۳۹۵، ۱۴۳۸هـ الموجز فی أصول الفقه، ناشر: مؤسسه الإمام الصادق(ع) - قم - ایران، چاپ ۲۳.

سبزواری، سید عبد‌العلی، ۱۴۱۳هـ.ق، مهذب الأحكام، ۳۰جلد، مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله، قم - ایران، چاپ: چهارم.

سرخسی، ابی بکر محمدبن احمد، ۱۴۲۲هـ/۲۰۰۲م، المبسوط، الناشر: دار احیاء التراث العربی - بروت - لبنان، الطبعه الاولى.

شاه، ملکم، ۱۳۷۴هـ.ش، حقوق بین‌الملل، ترجمه: محمد حسین وقار، ناشر: اطلاعات - تهران - ایران، چاپ دوم.

شوکانی، محمدبن، علی، ۱۴۲۲ق، نیل الاوطار، الناشر: دارالمدارد الاسلامی - بیروت - لبنان.

شهیدثانی، زین‌الدین ۱۴۱۰هـ.ق، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (کلاتر)، ۱۰جلد، کتابفروشی داوری - قم - ج اول.

_____ ۱۴۱۳هـ.ق، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ۱۵جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیة - قم - ایران، ج اول.

صاحب بن عباد، إسماعیل، ۱۴۱۴ق، المحیط فی اللغة، محقق آل یاسن، محمد حسین الناشر: عالم‌الکتاب - بیروت - لبنا، چاپ: اول.

صفدری، محمد، ۱۳۴۲هـ.ش، حقوق بین‌الملل عمومی، ناشر: سازمان انتشارات ابوریحان - تهران - ایران، چاپ دوم.

ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۱هـ.ش، حقوق بین‌الملل عمومی، ناشر: کتابخانه گنج دانش - تهران - ایران، چاپ: هفدهم.

طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین قم، قم، چاپ: پنجم.

طبرسی، امین‌الاسلام، ۱۴۱۲هـ.ق، تفسیر جوامع الجامع، ۴جلد، ناشر: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت - قم - ایران، چاپ: اول.

طوسی، ابو جعفر، ۱۳۸۷هـ.ق، المبسوط فی فقه الإمامیة، ۸جلد، المكتبة المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، تهران - ایران، سوم.

عاملی، کرکی، محقق ثانی، ۱۴۱۴هـ.ق، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۱۳جلد، ناشر: مؤسسه آل‌البیت - قم - ایران، چاپ: دوم.

حلی، حسن بن یوسف، ۱۴۲۰هـ.ق، تحریر الأحكام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، ۶جلد، مؤسسه امام صادق - قم - ایران، چاپ: اول.

_____ ۱۴۱۴هـ.ق، تذکره الفقهاء (ط - الحدیث)، ۱۴جلد، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم - ایران، اول.

_____ ۱۴۱۳هـ.ق، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، ۳جلد، دفتر انتشارات اسلامی - قم - ایران، چاپ: اول.

_____ ۱۴۱۲هـ.ق، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ۱۵جلد، مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد - ایران، چاپ: اول.

عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۴۲۱هـ.ق، فقه سیاسی (عمید)، ۳جلد، ناشر: انتشارات امیر کبیر، تهران - ایران، چاپ: چهارم.

- _____ ۱۳۸۶، ۱۳۷۹، فقه سیاسی: حقوق معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام، (سمت) - تهران، چاپ دوم. عوده، عبدالقادر، ۱۴۲۶هـ - ۲۰۰۵م، التشريع الجنائي الاسلامي، الناشر: مكتبة دارالتراث، القاهرة، مصر، طبعة جديدة منقحة.
- غمراوي، العلامة محمد الزهري، بي-تا، السراج الوهاج، الناشر: دار المعرفة للطباعة والنشر - بيروت - لبنان.
- فاوی، الملاح، ۱۹۸۱م، سلطات الامن و الحصانات و الامتيازات الدبلوماسية، الناشر: الاسكندرية: منشأة المعارف.
- فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰هـ، ق، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، ۳۲-جلد، دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، چاپ: سوم.
- فيليبه فرناندس آرمستو، ۱۳۹۳ش، تاريخ جهان، ترجمه: شهريانو صارمی، تاريخ جهان، ناشر: انتشارات ققنوس - تهران.
- فيومي، أحمد بن محمد، ۱۴۱۴ق، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، ناشر: موسسه دار الهجرة - قم - ايران، چاپ: دوم.
- قَمِي، صدوق، ابن بابويه، ۱۴۰۹هـ، من لا يحضره الفقيه - ۶جلد، مترجم: غفاري، علي اكبر و محمد، نشر صدوق، تهران چاپ اول.
- كاشاني، رضا مدني، ۱۴۱۰هـ، ق، كتاب القصاص للفقهاء و الخواص، ۱ جلد، دفتر انتشارات اسلامي قم، قم - ايران، چاپ: دوم.
- كاشف الغطاء، أسعد، ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۸م، العرف حقيقته و حجيته، ناشر: الذخائر.
- كرمي، احمد عجاج، ۱۴۲۷ق، الإدارة في عصر الرسول(ص)، ناشر: دار السلام - قاهره، چاپ: اول.
- كليني، محمد بن يعقوب، ۳۲۹ق كافي، محقق دارالحدیث، تعداد جلد: ۱۵، دار الحدیث - قم - ايران، چاپ اول، ۱۴۲۹ق.
- مجاهد، سيد محمد، بي تا، مفاتيح الأصول، ناشر: مؤسسه آل البيت(ع) - قم - ايران.
- مجلسي، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار (ط-بيروت)، محقق: جمع از محققان، داراحياء التراث العربي - بيروت - لبنان، چاپ: دوم.
- محقق كابلې، قربانعلی (دامه ظلّه)، ۴ / ۱۱ / ۱۳۹۶، استفتانات شماره: ۶۶۸۱.
- مستر هاکس، ۱۳۸۳ش، قاموس كتاب مقدس، نشر: تهران انتشارات اساطير چاپ دوم.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، دار الکتب العلمیة - نشر آثار مصطفوی، بیروت - لندن - قاهره، چاپ سوم، ۱۴۳۰ق.
- مظفر، محمدرضا، بی تا، اصول الفقه، انتشارات اسماعیلیان، قم - ايران، چاپ پنجم.
- مکارم شیرازی، ناصر(دام ظلّه)، ۱۷ / ۱۱ / ۱۳۹۶، استفتانات شماره: ۶۲۳۱۰۶.
- منتظری، حسینعلی، ۱۴۰۹هـ، مبانی فقهی حکومت اسلامی، مترجم: صلواتی، و شکوری، ۸جلد، مؤسسه کیهان - قم - چاپ اول.
- میرمحمدی، مصطفی ۱۳۸۸ش، مصونیت‌ها و مزایای هیاتهای نمایندگی دولت‌ها نزد سازمانهای بین‌المللی، نشر الهدای - تهران، چاپ اول.
- میانجی، علی احمد، ۱۴۲۶ق، مکاتیب الأئمة(ع)، محقق / مصحیح: فرجی، مجتبی، ناشر: دارالحدیث - قم - ايران، چاپ: اول.
- نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴هـ، ق، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، الناشر: داراحیاء التراث العربی - بیروت - لبنان، الطبعة السابعة.
- نجفی، کاشف الغطاء، احمد بن علی ۱۴۲۳هـ، ق، سفینه النجاة و مشکاة الهدی ۴جلد، مؤسسه کاشف الغطاء، نجف - عراق، چاپ: اول.
- نراقی، مولی احمد ۱۴۱۷هـ، ق، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، ۱جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - قم چاپ اول.
- نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ناشر: مؤسسه آل البيت - قم، چاپ: اول.
- هیثمی، حافظ نور الدین، ۱۴۱۴هـ - ۱۹۹۴م، بُغیة الرَّائد فی تحقیق مجمع الزائد و منبع الفوائد، دار الفكر للطباعة و النشر، بیروت - لبنان.